

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهلّم ۱۳۹۷/۰۹/۲۵

موضوع: «اجتهاد» و «تقلید» از دیدگاه فریقین (۱۵) - مذمت علمای اهل سنت از ابوحنیفه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله

پرسش:

استاد ببخشید! در «کافی» حدیث صحیح السند در مورد سب کردن داریم و در قرآن سب کردن نهی شده است.

پاسخ:

برای بدعت گزارها است، البته قرآن که نهی از سب می کند علت می آورد:

(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام

دهند!

سوره انعام (۶): آیه ۱۰۸

علت نهی از سب این است که آنها عکس العمل نشان می دهند، در رابطه با حدیث «کافی» این است که شما با سب تان آبروی تأثیر گذاری افراد بدعت گزار را در جامعه به خطر بیندازید؛ در حقیقت این جا برای حفظ دین است! این فرق می کند با سب:

(وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ)

معبودهایی را که غیر از خدا می خوانند!

سوره نحل (۱۶): آیه ۲۰

آن جا ضرر دین است، این جا تقویت دین است؛ یعنی تفاوت از زمین تا آسمان است، البته اگر نگوییم خلاف قرآن است ولو صحیح هم که باشد باید «فاضربه علی الجدار» و یا این که در سب آن جا ما تصرف کنیم که معنای سب در حقیقت مفتضح کردن و آبرو و حیثیت تأثیر گذاری اش را مخدوش کنیم.

پرسش:

خود قرآن هم خیلی جاها نسبت به اهل کتاب سب کرده است.

پاسخ:

بله تعبیر:

(أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ)

آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر!

سوره اعراف (۷): آیه ۱۷۹

یا دارد:

(فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ)

مثل او همچون سگ (هار) است

سوره اعراف (۷): آیه ۱۷۶

اگر این سب نیست؛ پس چیست!

(مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا)

کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می کند،

(آن را بر دوش می کشد اما چیزی از آن نمی فهمد)!

پرسش:

استاد! این با مدارا کردن با مخالفین تناقض ندارد؟

پاسخ:

بحث مخالفین فرق می‌کند با کسی که بدعت گزار است و دارد دین را به خطر می‌اندازد؛ بحث مخالفین فرق می‌کند ائمه (علیهم السلام) به ما توصیه کردند رفتارشان با مخالفین طوری باشد که آنها را به مذهب شیعه دعوت کنید.

«كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء

التراث العربي - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۷؛ ص ۳۰۹

یا می‌گویید اگر شما بد رفتاری کنید:

صلوا عشائركم واشهدوا جنائزهم وعودوا مرضاهم وأدوا حقوقهم فإن الرجل منكم إذا ورع في دينه وصدق الحديث وأدى الأمانة وحسن خلقه مع الناس قيل : هذا جعفري فيسرني ذلك ويدخل علي منه السرور وقيل : هذا أدب جعفر وإذا كان على غير ذلك دخل علي بلاؤه وعاره وقيل : هذا أدب جعفر

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الأصول من الكافي، ج ۲، ص ۶۳۶،

تحقيق: غفاری، علي اكبر ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

یا می‌گویید با این‌ها طوری رفتار کنید که شما را مؤذن و امام جماعت خودشان قرار بدهند یا در صف اول نماز شما را قرار بدهند، در صف اول نماز خواندن مثل پشت سر پیغمبر نماز خواندن است؛ یعنی حضور در جامعه آنها با آن اخلاق اهل بیتهای یک نوع دعوت آنها به اهل بیت و نشر فرهنگ اهل بیت است.

آخر اگر گفته شود نماز آن‌ها که باطل است! قضیه چیست؟ قضیه تقيه است، شاید در بعضی از موارد هم تقيه تطبيق بکند؛ ولی آنچه که از روح روایات و از مجموع روایات آدم استفاده می‌کند، این است که شما با حضورتان در جوامع اهل سنت فرهنگ اهل بیت را در جامعه آن‌ها نشر بدهید، و آن‌ها را به طرف اهل بیت عملاً دعوت کنید، هدف اصلی این است!

**پرسش:**

حاج آقا! آیا امیرالمؤمنین به این‌ها اقتدا می‌کرد؟

**پاسخ:**

در مورد اقتدا کردن امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ما روایت صحیح نتوانستیم پیدا کنیم که حتی یک مورد امیرالمؤمنین در نمازهای این‌ها اقتدا کرده باشد، روایتی که هست حالا صرف نظر از سند این است که در نماز این‌ها شرکت می‌کرد:

وحضر المسجد ووقف خلف أبي بكر و صلى لنفسه

القمي، أبي الحسن علي بن ابراهيم (متوفای ۳۱۰هـ) تفسیر القمي، ج ۲، ص ۱۵۹، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: السيد طیب الموسوي الجزائري، ناشر: مکتبة الهدی، ۱۳۸۷هـ .

یک چنین تعبیری دارد!

**پرسش:**

یعنی فرادی می‌خواند.

**پاسخ:**

بله. در جماعت بود؛ ولی نماز را فرادا می‌خواند؛ این‌ها اقتدا کند و پشت سرشان نماز بخواند ما خیلی در روایات گشتیم؛ ولی چنین چیزی را نتوانستیم پیدا کنیم!

**پرسش:**

در مورد ائمه دیگر داریم که به این‌ها اقتدا کرده باشند.

**پاسخ:**

در مورد ائمه دیگر اصلاً نداریم که شرکت کرده باشند. در زمان امیرالمؤمنین بحث خلفاء و حکام بود، ائمه (علیهم السلام) این‌ها در مدینه بودند آن‌ها در شام بودند اصلاً چنین مسائلی نبود که در نماز حکام حضور پیدا کنند.

**پرسش:**

در نماز جمعه و جماعات آن‌ها نبودند؟

**پاسخ:**

نه، بلکه به عکسش است، از جمله شرایط امام حسن (علیه السلام) این بود که در جمعه‌ها و جماعت این‌ها حضرت شرکت نکند.

**پرسش:**

داریم که امام رضا (علیه السلام) نماز بخواند...

**پاسخ:**

یک روایت صحیح و یک دلیل قاطع در مورد ائمه (علیهم السلام) نتوانستیم پیدا کنیم که ائمه یا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) پشت سر مخالفین؛ یعنی خلفاء یا حکام اقتدا می‌کردند. آقایانی هم که مدعی هستند فقط ادعای تنها است.

حتی خود اهل سنت هم می‌گویند امیرالمؤمنین اقتدا می‌کرد روایتی حتی از خودش هم نقل نمی‌کنند، «مرحوم مطهری» هم تعبیرش این است که در امامت و رهبری امیرالمؤمنین در جمعه و جماعات این‌ها شرکت نمی‌کرد و در بعثت حج‌شان هم شرکت نمی‌کرد؛ چون حضور علی در نماز این‌ها به منزله‌ای صرف نظر کردن از حق مسلم به یغما رفته‌اش بود!

یعنی اقتدای امیرالمؤمنین به ابوبکر و عمر و عثمان در حقیقت صحه گذاشتن به خلافت و عدالت آنها بوده است و این با آن حق مسلمی که حضرت امیر دارد و آنها را غاصب حق خودش می‌داند همخوانی ندارد.

از آن طرف شما ببینید در صحیح مسلم هم این طوری دارد:

«فَرَأَيْتُمَاهُ كَاذِبًا آثِمًا غَادِرًا خَائِنًا»

صحیح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱ ، دار النشر : دار

إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ج ۳ ، ص ۱۳۷۸ ، ح ۱۷۵۷.

نظر امیرالمؤمنین این است!

در نهج البلاغه در خطبه ۱۵۰ دارد:

«حَتَّى إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ ص رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ ... عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحي صالح)، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق؛ ص ۲۰۹

این دیگر صریح در خلفاء است؛ یعنی: «إِذَا قَبِضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ» به دنبال آن سنت آل فرعون در جامعه ایجاد شد!

در نامه‌ی ۵۲ ایشان می‌فرماید:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحي صالح)، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۳۵

خیلی صریح است! امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هر وقت فرصت پیدا می‌کرد هم برای اعلان حقانیت خودش و هم

برای اعلان غصب شدن خلافتش نظرش را ابراز می‌کرد:

«وَأَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي حَقًّا كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْهُمْ فَسَلَبُونِيهِ»

همان طوری که قریش علیه پیغمبر منازعه و مخالفت کردند بعد از پیغمبر این‌ها عین همان را با من برخورد کردند

ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات أو الإستنفار و الغارات (ط - القديمة)، ۲ جلد، دار الكتاب الإسلامي - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۱؛ ص ۲۰۴

یعنی عمل این‌ها را با عمل قریش در عصر رسول الله مقایسه می‌کند.

**پرسش:**

ببخشید استاد! نظرتان راجع به «ابن عربی» چیست؟

**پاسخ:**

اینها اگر مطلب خوبی داشته باشند قبول می‌کنیم و اگر مطلب بدی داشته باشند به دیوار می‌کوبیم و در اشغال دانی می‌اندازیم!

ما خدمت آیت الله آقای «شیخ محمد شاه آبادی» پسر بزرگ آیت الله «شاه آبادی» هشت سال خارج عرفان را خواندیم؛ یعنی «مصباح الانس قونوی» بالاترین کتاب عرفانی است که آقایان می‌خوانند و خود «امام» هم همین را خدمت پدرشان خوانده بود. من همیشه خدمت ایشان می‌گفتم حاج آقا ما مطالبی را که شما نقل می‌کنید اگر یک روایت ولو روایت ضعیف هم طبق آن داشته باشیم سمعا و طاعتا؛ ولی اگر ما روایتی بر طبق عقاید عرفا نداشته باشیم این‌ها را در «بقعه‌ی امکان» می‌گذاریم نه رد می‌کنیم و نه تأیید می‌کنیم تا اگر یک روایتی بر طبق او پیدا کردیم قبول می‌کنیم و اگر پیدا هم نکردیم در «بقعه‌ی امکان» می‌ماند تا ببینیم در قیامت تکلیف چیست!

**پرسش:**

مطالبی از این‌ها که خلاف صریح روایات است این‌ها را چه کار می‌کنیم؟

پاسخ:

آن‌ها را کنار می‌گذاریم، عرض کردم مطالب خوب‌شان را قبول می‌کنیم، مطالبی که مخالف با روایات است را رد می‌کنیم؛ ولی این‌که بیاییم این‌ها را تکفیر بکنیم و... این کار را هم نمی‌کنیم؛ زیرا تکفیر کردن خیلی هزینه دارد!

پرسش:

استاد! امکان دارد یک سنی به مقام عارف و عرفان برسد

پاسخ:

ببینید حاج آقا! خدای عالم می‌گوید:

(وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست،

سوره نجم (۵۳): آیه ۳۹

یک مرتاض هندی که معتقد به هیچ چیزی نیست ریاضت می‌کشد خدای عالم این را ناامید نمی‌کند، یک قدرت روحی می‌دهد که از گذشته و آینده شما خبر می‌دهد، یک قدرتی می‌دهد که قطار با آن عظمت را با یک اراده متوقف می‌کند، ملاک این‌ها نیست، ملاک این است که ببینیم این با حق تطبیق می‌کند یا نه!

«اعرفوا الحق تعرفوا أهله»

المجلسي، محمد باقر \_متوفای ۱۱۱۱ق\_، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۳۳، ص ۲۱۳، تحقیق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

اگر این‌ها مطالب‌شان حق بود و با اهل بیت تطبیق داشت می‌گوییم حق است و اگر مطالب‌شان تطبیق نداشت قبول نمی‌کنیم.



در جلسه گذشته ما دو روایت از امام صادق (سلام الله علیه) خواندیم که به صراحت حضرت «ابوحنیفه» را لعنت می‌کند و می‌گوید:

« قَالَ لَعَنَ اللَّهُ أَبَا حَنِيفَةَ كَانَ يَقُولُ قَالَ عَلِيٌّ وَ قُلْتُ »

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷

ق، ج ۱؛ ص ۵۶

و امثال این!

در این مورد بعضی از دوستان هم یک مقدار حساس بودند که به این شکل لعن کردن به «ابوحنیفه» آیا این با تقریب می‌سازد و یا نمی‌سازد؟ من خواستم چند تا نکته‌ای را عرض کنم. خود علمای اهل سنت هم در رابطه با «ابوحنیفه» یک سری مطالبی دارند که به مراتب تندتر از این است!

این مطلب در ذهن مبارک آقایان باشد که اگر یک روز پیش آمد، یک مقدار دست‌تان باز باشد اولاً مطالبی آقایان از «ابوحنیفه» نسبت به احادیث پیغمبر می‌آورند، شما اگر کتاب «تاریخ بغداد» و کتاب «السنة محمد ابن حنبل» را بخوانید می‌گویید از «ابوحنیفه» در رابطه با پیغمبر روایتی آوردم ابوحنیفه گفت:

«دعنا من هذا!»

روایت پیغمبر را کنار بگذار!

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳، دار النشر: دار الکتب العلمية

- بیروت، ج ۱۳، ص ۴۰۱

روز دیگری مسئله‌ای سوال کردم جواب داد گفتم از پیغمبر بر خلاف این ما روایت داریم گفت روایت پیغمبر را با دم خوک پاک کن برود!

بعد گفت از پیغمبر روایتی آوردیم:

«البیعان بالخیار، قال هذا رجز»

این رجز و نجس است

«یوسف ابن اسباط» می‌گوید «ابوحنیفه» چهار صد و یا بیش از آن از روایات پیغمبر را رد کرده است. «ابن ابی شیبیه» استاد «بخاری» متوفای ۲۳۵ می‌گوید «ابو حنیفه» ۱۲۵ مورد روایت صریح پیغمبر را رد کرده است، روایتی از «ابو اسحاق فزاری» دارد که از فقهای‌شان است می‌گفت:

«کان أبو حنیفة یقول إیمان إبلیس وإیمان أبي بکر الصدیق رضی الله عنه واحد!»

السنة ، اسم المؤلف: عبد الله بن أحمد بن حنبل الشیبانی الوفاة: ۲۹۰ ، دار النشر: دار ابن القیم - الدمام - ۱۴۰۶  
، الطبعة: الأولى ، تحقیق: د. محمد سعید سالم القحطانی، ج ۱، ص ۲۱۹

کتاب «السنه» «عبدالله ابن احمد» از پدرش می‌گوید «إسنادُهُ صحیح»! دوستان دقت کنند من می‌خواهم یک مقداری دست‌تان پر باشد اگر یک کسی آمد مطرح کرد جوابی برای گفتن داشته باشید. دوستان اگر «سایت ولیعصر» را ببینند در آن زمانی که شبکه سلام برنامه داشتیم حدود ۲۰ جلسه، در رابطه با «مذاهب اربعه» بحث کردم.

اقوال علمای اهل سنت در ذم و مدح «ابو حنیفه» در مدح و ذم «مالک»، در مدح و ذم «شافعی» همه این‌ها را مطرح و بحث کردیم، می‌گویند یک روز پیرامون یک مطلبی به «ابوحنیفه» گفتیم عمر در این مورد این‌طوری قضاوت کرده گفت:

«فقال هذا قول الشیطان»

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بکر الخطیب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۱۳، ص ۴۰۴

روایت دیگری می‌گوید:

«قال رجل روی عمر بن خطاب... کذا و کذا قال ابو حنیفة هذا قول الشیطان»

این‌ها مطالبی است که خودشان از «ابو حنیفه» نقل کردند. در رابطه با «مالک» که تقریباً نزدیک‌ترین زمان به «ابوحنیفه» است و شاگردش هم بوده است، «مالک» متوفای ۱۷۹ است «ابو حنیفه» متوفای ۱۵۰ است.

می‌گوید:

«قال سمعت مالکا يقول ما ولد في الإسلام مولود أشأم من أبي حنيفة»

شوم‌تر از «ابو حنیفه» در اسلام فرزندی به دنیا نیامده!

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ٤٦٣ ، دار النشر : دار الكتب العلمية

- بيروت ج ١٣ ص ٤٢٢

«مالک» از قول «سفیان» می‌گوید:

«أنه شر مولود ولد في الاسلام»

الانتقاء في فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء مالك والشافعي وأبي حنيفة رضي الله عنهم ، اسم المؤلف: الإمام أبي

عمر يوسف بن عبد البر النمري القرطبي الوفاة: ربيع الآخر / ٤٦٣هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت، ج

١، ص ١٥٠

«خطیب بغدادی» از «مالک» می‌گوید:

«كانت فتنة أبي حنيفة أضر على هذه الأمة من فتنة إبليس!»

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ٤٦٣ ، دار النشر : دار الكتب العلمية

- بيروت ج ١٣، ص ٤١٦

پرسش:

چطوری با هم جمع می‌شود؟

پاسخ:

بعضی از این‌ها تصریح دارند که روایت صحیح است. جالب این‌جا است! بعضی وقت‌ها روایت ضعیف را جمع کرده که ضعیف است! ولی وقتی می‌گویند «هذا إسنادٌ صحيح» «هذا حديثٌ صحيح»...

پرسش:

استاد وهابی‌ها نسبت به «ابو حنیفه» نظرشان چه است؟

پاسخ:

آن‌ها همه را «کلهم کفار» می‌گویند.

«شافعی» می‌گوید:

«نظرت في كتاب لأبي حنيفة فيه عشرون ومائة أو ثلاثون ومائة ورقة فوجدت فيه ثمانين ورقة في الوضوء والصلاة»

کتابی که از «ابو حنیفه» به دست من رسید ۱۲۰ یا ۱۳۰ ورق داشت که ۸۰ ورق در مورد وضو و نماز و غیره است.

«ووجدت فيه إما خلافا لكتاب أو لسنة رسول الله صلى الله عليه وسلم أو اختلاف قول أو تناقض أو خلاف قياس»

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء ، اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی الوفاة: ۴۳۰ ، دار النشر : دار

الكتاب العربي - بیروت - ۱۴۰۵ ، الطبعة : الرابعة، ج ۹، ص ۱۰۳

«احمد ابن حنبل» می‌گوید:

«ما قول أبي حنيفة والبعر عندي إلا سواء!»

حرف «ابو حنیفه» با پیشگل شتر در نزد من یکسان است هیچ فرقی ندارد!

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر : دار الكتب العلمية

- بیروت، ج ۱۳، ص ۴۳۹

باز «احمد ابن حنبل» می گوید:

«وعن أحمد بن حنبل قال أبو حنيفة يكذب»

ذکر من اختلف العلماء ونقاد الحديث فيه ، اسم المؤلف: عمر بن أحمد بن عثمان بن أحمد بن محمد بن أيوب البغدادي الوفاة: ۱۲ / ذي الحجة ۳۸۵هـ ، دار النشر : مكتبة أضواء السلف - الرياض - السعودية - ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۹م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : حماد بن محمد الأنصاري، ج ۱، ص ۹۶

این حرف احمد بن حنبل، شخصیت ابوحنیفه را نابود می کند! چه کسی؟ «احمد ابن حنبل» رئیس «حنابله»، رئیس «محدثین» اهل حدیث!

باز می گوید:

«أصحاب أبي حنيفة ينبغي أن لا يروى عنهم شيء»

از «حنفی»ها نباید ما چیزی نقل بکنیم.

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت، ج ۷، ص ۱۷

«سفيان ابن عيينه» وقتی که شنید «ابو حنیفه» از دنیا رفته گفت:

« الحمد لله! كان ينقض الإسلام عروة»

این شخص اسلام را تکه تکه می کرد.

«ما ولد في الإسلام أشأم منه»

التاريخ الصغير (الأوسط) ، اسم المؤلف: محمد بن إبراهيم بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، دار النشر : دار الوعي ، مكتبة دار التراث - حلب ، القاهرة - ۱۳۹۷ - ۱۹۷۷ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : محمود إبراهيم زايد، ج ۲، ص ۱۰۰

پرسش:

«بخاری» هم از او به بدی نقل کرده به خاطر همین‌ها بوده؟

پاسخ:

«بخاری» با «ابو حنیفه» خیلی بد است، آقای «غیب غلامی» مطالبی را آورده که «بخاری» یک عداوت خاصی با «ابو حنیفه» دارد.

پرسش:

حاج آقا، می‌گویند «ابو حنیفه» ضد حکومت «بنی عباس» بود و به زندان رفت و از آن طرف به «زید شهید» کمک کرد این سندیت دارد؟

پاسخ:

تا حدودی بله، خیلی زیاد به آن کار نداریم.

این جالب است، در نقل دیگر می‌گویند پیش «سفیان ابن عیینه» بودیم ایشان از فقهای بنام اهل سنت است می‌گویند:

«فجاء نعی ابی حنیفة فقال لعنه الله کان یهدم الاسلام»

وقتی خبر مرگ «ابی حنیفه» رسید گفت خدا او را لعنت کند

الانتقاء في فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء مالك والشافعي وأبي حنیفة رضي الله عنهم ، اسم المؤلف: الإمام أبي

عمر يوسف بن عبد البر النمري القرطبي الوفاة: ربيع الآخر / ٤٦٣هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت ج

١، ص ١٤٩

این آقایان اگر به امام صادق اشکال کنند، می‌گوییم بفرمایید این نظر علمای خودتان نسبت به او است! «سفیان ابن

عیینه» ای که به ادعای شما امیر المؤمنین فی الحدیث است نسبت به او می‌گویند:

«یهدم الاسلام عروة عروة»

اسلام را با تکه تکه کردن نابود می‌کرد.

باز هم می‌گویید:

«وما ولد فی الاسلام مولود اشر منه هذا ما ذكره البخاری»

از قول «بخاری» هم نقل می‌کند. باز «سفیان» می‌گوید مولودی اضر برای اسلام از او نبوده است.

می‌گویید:

«الحمد لله الذي أراح المسلمين منه!»

الحمد لله خدای عالم مسلمان‌ها را از شر «ابو حنیفه» راحت کرد!

المعرفة والتاریخ ، اسم المؤلف: أبو يوسف يعقوب بن سفیان الفسوي (المتوفى : ۳۴۷هـ) الوفاة: ۲۷۷ ، دار

النشر : ج ۱، ص ۳۶۹

این هم خیلی جالب است دوستان خوب دقت کنند «سفیان» می‌گوید:

«ولم یزل أمر الناس معتدلا حتى غیّر ذلك أبو حنیفة بالكوفة»

می‌گوید مردم زندگی معتدلی داشتند، -هر چه بوده- تا این‌که «ابو حنیفه» به «کوفه» آمد بین مردم اختلاف

انداخت و مردم با مشکل مواجه شدند.

«عثمان بتی»، «بتات» کسی است که عباهای زمستانی و ضخیم می‌فروشد به «گلیم فروش» هم «بتات» می‌گویند.

او «گلیم فروش» بوده یا عبا زمستانی ضخیم می‌فروخته از این جهت این‌طوری می‌گوید من شرح حالش را دارم.

«ابی حنیفه»، «عثمان بتی»، «ربیعة ابن ابی رحمان» «کوفه» و «بصره» و «مدینه» را به هم ریختند

«فنظرنا فوجدناهم من أبناء سبایا الأمم»

همه جزو بچه کنیزهای اسیر بودند.

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ٤٦٣ ، دار النشر : دار الكتب العلمية

- بيروت ج ١٣، ص ٤١٤

یعنی سابقه «یهودی» «مسیحی» و غیره داشتند.

در رابطه با «بتی» «عثمان ابن مسلم»:

«يقال إن اسم جدی جرموز البتی»

جوزجانی گفته «ثقه» است

«كان يبيع البتوت»

تهذيب الكمال ، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزي الوفاة: ٧٤٢ ، دار النشر : مؤسسة

الرسالة - بيروت - ١٤٠٠ - ١٩٨٠ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. بشار عواد معروف ج ١٩، ص ٤٩٣

در سال ١٤٣٣ مرده است.

«ربيعه» هم معروف به «ربيعة الرأي» است یعنی هر مسئلهی را سوال می کردند نه کاری به کتاب داشت و نه به سنت!

می گفت رأی من این است معروف به «ربيعة الرأي» بود؛ یعنی هر چه به فکرش می رسید فتوا می داد! مرحوم

«مامقانی» هم خیلی مفصل آورده است.

«مالک» می گوید:

« كان ربيعة يقول لابن شهاب أن حالتي ليس تشبه حالك»

چطور؟

« أنا أقول برأيي من شاء أخذه وعمل به ومن شاء تركه »

می گویم رأی من این است هر کس می خواهد قبول و عمل کند و هر کس هم قبول ندارد ترک کند

ولكن اقای ابن شهاب:



«وانت تحدث عن النبي صلى الله عليه وسلم فيحفظ»

تو داری از پیغمبر روایت نقل می‌کنی مردم، حرف‌های تو را حفظ می‌کنند و ثبت می‌کنند.

سير أعلام النبلاء ، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله الوفاة: ٧٤٨ ، دار النشر :

مؤسسة الرسالة - بيروت - ١٤١٣ ، الطبعة : التاسعة ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعيم العرقسوسي، ج ٦، ص ٩٠

در هر صورت ...

یک روایتی از امام صادق داریم که من یک مرتبه به آن اشاره کردم امام صادق (سلام الله علیه) یک روزی در حلقه

درس «ربیعة الرأی» بوده اعرابی آمد مسئله‌ای سوال کرد جواب داد، اعرابی گفت:

«أهو فی عُنُقک»

این فتوایی که می‌دهی تا من عمل کنم فردای قیامت تو ضامن هستی و به گردن می‌گیری؟

«فسکت عنه ربیعة ولم یرد علیه شیئا فأعاد علیه المسألة»

گفت آقای «ربیعة» این فتوایی که دادی من عمل کنم به گردنت است؟ باز هم جواب نداد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هو فی عنقه ، قال : أو لم یقل وكل مفت ضامن»

چه بگوید چه نگوید این به گردن اوست. هر کسی که فتوا می‌دهد ضامن است.

الكافي - الشيخ الكليني - ج ٧ ص ٤٠٩

ما داریم که: «المفتی یفتی عن الله تبارک وتعالی»

یا وهابی‌ها دارند: «المفتی یقوم مقام النبی»

«ابن قیّم» شاگرد «ابن تیمیه» کتابی به نام «اعلام الموقعین» دارد. یعنی علمایی که از طرف خدا، حق امضاء دارند  
موقع یعنی توقیع کننده، مهر زننده، امضاء کننده!

«اوزاعی» از علمای بزرگ و فقهای بنام اهل سنت است می گوید:

«ما ولد مولود في الإسلام أضر على الإسلام من أبي حنيفة»

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ٤٦٣ ، دار النشر : دار الكتب العلمية

- بيروت، ج ١٣، ص ٤١٩

دوستان این مطلب را خوب گوش بدهند خیلی جالب است. از «ابوبکر ابن ابو داود سجستانی» صاحب «سنن» نقل  
شده که روزی به اصحابش گفت:

«ما تقولون في مسألة اتفق عليها مالك وأصحابه والشافعي وأصحابه والأوزاعي وأصحابه والحسن بن صالح

وأصحابه وسفيان الثوري وأصحابه وأحمد بن حنبل وأصحابه؟!»

در یک مسئله ای که همه این فقهاء و اصحابشان اتفاق نظر داشته باشند رأی تان چه است؟

گفتند:

«فقالوا له يا أبا بكر لا تكون مسألة أصح من هذه فقال هؤلاء كلهم اتفقوا على تضليل أبي حنيفة!!»

دیگر مسئله ای صحیح تر از این نیست. سپس گفت: همه ی این ها بر گمراهی ابوحنیفه اتفاق نظر دارند!!

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ٤٦٣ ، دار النشر : دار الكتب العلمية

- بيروت، ج ١٣، ص ٣٩٤

پرسش:

استاد! این روایت تعارض دارد با روایت دیگری که در «تاریخ بغداد» است که «شافعی» به قبر «ابی حنیفه» توسل می‌کند.

پاسخ:

مثالی که زدم را به یاد داشته باشید می‌گویند به شتر گفتند گردنت کج است! گفت کجایم راست است که گردنم راست باشد؟! شاید بعد از این که از دنیا رفت مقامش هم بالا رفته است!

پرسش:

این‌ها مثل «صوفی»ها نیستند که بعضی‌ها از «ابی حنیفه» دفاع می‌کنند.

پاسخ:

عرض کردم بله دارند، این‌ها دو دسته هستند یک دسته مذمت دارند یک دسته هم توصیف و توثیق دارند این‌طور نیست که تنها مذمت باشد، ما می‌خواهیم بگوییم که اگر ما یک روایتی از ائمه در مذمت این‌ها نقل می‌کنیم بلافاصله این‌ها نگویند آقا این چیست و چرا امام صادق این‌طور گفته این دروغ است و شما به امام صادق افتراء می‌بندید من می‌خواهم آن را دفع دخل مقدر کنم.

درباره ابوحنیفه هم «لعن الله» دارند؛ هم اجماع بر تزلیل دارند. مولود اَشْأَم دارند، این تعبیری که خودشان آورده‌اند این‌ها برای دفاع از سخن حضرت امام صادق (سلام الله علیه) است.

این‌ها تعبیر مختلفی دارند من همه را درباره «ابو حنیفه» برای شما آوردم از «سفیان ثوری» می‌گوید:

«استتیب أبو حنیفة من الکفر مرتین»

دو مرتبه از کفر توبه‌اش دادند

المعرفة والتاريخ ، اسم المؤلف: أبو يوسف يعقوب بن سفيان الفسوي الوفاة: ٢٧٧هـ ، دار النشر : دار الكتب

العلمية - بيروت - ١٤١٩هـ - ١٩٩٩م ، تحقيق : خليل المنصور ج ٣ ، ص ٩٦

البته در رابطه با خلق قرآن است، این کفر، کفر از اسلام نیست.

از «یحیی ابن سعید» و دیگران می‌گوید:

«استتيب أبو حنيفة من الكفر مرتين»

یا:

«استتيب أبو حنيفة من الكفر مراراً»

یا دارد:

«أبا حنيفة استتيب من الزندقة مرتين»

یا:

«استتابه أصحابه من الكفر مراراً»

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ٤٦٣ ، دار النشر : دار الكتب العلمية

- بيروت ج ١٣ ، ص ٣٩١ و ٣٩٢

پرسش:

زندقه و کفر هم درباره قرآن است؟

پاسخ:

عمدتاً بحث، بحث قرآن است.

یا دارد که:

«خَمَار خَيْرٍ مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي حَنِيفَةَ»

در هر قبیله‌ی که در آن یک خَماری باشد بهتر از یک نفر از اصحاب «ابو حنیفه» است!

تاریخ بغداد ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ٤٦٣ ، دار النشر : دار الكتب العلمية

- بيروت ج ١٣، ص ٤١٧

پرسش:

البته تکفیر آن‌ها خیلی ملاک نیست آن‌ها ائمه را هم به راحتی تکفیر می‌کنند.

پاسخ:

ما کاری با آن نداریم، ائمه (علیهم السلام) با این‌که حکومت‌ها و بعضی از فقهای‌شان تمام تلاش‌شان این بود که از ائمه نقطه ضعف بگیرند، نتوانستند. «ذهبی» - به تعبیر شاگردش که درباره او می‌گوید- در استاد ما، نشانه‌هایی از نصب بوده؛ ولی همین‌ها نسبت به ائمه، چه تعابیری دارند؟ نسبت به بزرگان‌شان چه تعابیری دارند؟

تعابیری که «ذهبی» نسبت به امیر المؤمنین، امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین و امام باقر و... (علیهم السلام) دارد:

«وابناه الحسن والحسين فسبطا رسول الله صلى الله عليه وسلم وسيدا شباب اهل الجنة لو استخلفا لكانا اهلا لذلك، وزين العابدین كبير القدر من سادة العلماء العاملين يصلح للامامة، ابنه أبو جعفر الباقر سيد امام فقيه يصلح للخلافة وكذا ولده جعفر الصادق كبير الشان من ائمة العلم كان اولی بالامر من أبي جعفر المنصور وكان ولده موسى كبير القدر جيد العلم اولی بالخلافة من هارون وله نظراء في الشرف والفضل، وابنه علي بن موسى الرضا كبير الشان له علم وبيان...وابنه محمد الجواد من سادة قومه لم يبلغ رتبة ابائه في العلم والفقه»

در مورد امام جواد علیه السلام حالا نظرش به این شکلی است! و در ادامه می‌گوید:

«وكذلك ولده الملقب بالهادي شريف جليل، وكذلك ابنه الحسن بن علي العسكري رحمهم الله تعالى»

نسبت به حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) می‌گوید «ابن حزم اندلسی» گفته که امام عسکری:

«مات عن غیر عقب»

بدون این‌که فرزندی داشته باشد

تا آن‌جا که مضمون حرفش این است حضرت مهدی می‌آید حکومت‌های باطل را از بین می‌برد حکومت عدل برپا می‌کند؛ بعد می‌گوید:

«صاحب السرداب بسامراء وانه حي لا يموت حتى يخرج فيملا الأرض عدلا وقسطا كما ملئت ظلما وجورا فوددنا

ذلك والله»

...ما به خدا قسم، این را دوست داریم

به عنوان این‌که یک مهدی خواهد آمد و دنیا را پر از عدل می‌کند

« فوددنا ذلك والله وهم في انتظاره »

بعد نسبت به شیعه می‌گوید:

«فنعود بالله من الجهل والهوى»

می‌گوید اگر این است که پیغمبر وعده داده

«فيملا الأرض عدلا وقسطا كما ملئت ظلما وجورا فوددنا ذلك والله»

ما همچنین فردی را به خدا قسم دوستش داریم.

سیر أعلام النبلاء ، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله الوفاة: ۷۴۸ ، دار النشر

: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳ ، الطبعة : التاسعة ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعيم العرقسوسي ج

۱۳، ص ۱۲۰

شما ببینید این‌ها نسبت به ائمه، با این‌که در نقطه مخالف بودند حکومت‌ها تمام تلاش‌شان را به کار می‌بردند، پول خرج می‌کردند جاسوس معین می‌کردند که از این‌ها نقطه ضعف بگیرند، یک نقطه ضعف نتوانستند از ائمه بگیرند که بگویند این‌ها، این نقطه ضعف را دارند. این «ذهبی»‌شان است البته دیگران هم دارند.

نسبت به امام سجاد جدا دارد، امام صادق جدا دارد حتی «ابن تیمیه» وقتی به امام صادق می‌رسد می‌گوید:

«لم يجيء بعد مثله»

تاکنون مثل امام صادق، به دنیا نیامده.

منهاج السنة النبوية ، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ٧٢٨ ، دار النشر :

مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم ج ٤ ، ص ١٢٦

پرسش:

استاد در میان اصحاب شیعه هیچ عبارت ذمی نیست؟ خود شیعیان همدیگر را کوبیده باشند آیا روایت اخبار ذمّ علیه روات ما نبوده و نیست؟

پاسخ:

یعنی از ما علیه ما!

پرسش:

بله! از ما بر خودمان در «رجال شیعه» وجود دارد یانه؟

پاسخ:

الی ما شاء الله! شما کافی را نگاه کنید روایانی متعددی مذمت دارند. «محمد ابن سنان» آن همه مذمت دارد. «صفوان» و «زراره» است که روایت از امام صادق است که «لعن الله زراره»، نسبت به تک تک این‌ها ما مذمت داریم؛ ولی از آن

طرف وجه جمع هم داریم وقتی که حضرت پسر «زراره» را می‌بیند می‌گوید به پدرت سلام برسان بگو من با این لعن و مذمت می‌خواهم تو را حفظ کنم چون حکومت :

«کل من قرب الینا»

یا:

«کل قربناه ... و یسجنه و کذا و کذا»

این‌ها کاملاً واضح و روشن است.

درباره بحثی که من در جلسه قبل داشتیم باید بگویم که از ۴ تا ۶ دی ما جلسه‌ای داریم که حدود ۱۱۰ تا ۱۲۰ نفر از علمای شهرستان‌ها را دعوت کردیم به مدت ۳ روز به «قم» می‌آیند و جدیدترین شبهاتی که مطرح است و راه پاسخگویی به این شبهات را بناست ان شاء الله اگر بتوانیم در جمکران مجتمع یاوران حضرت مهدی (ارواحنا فداه) یا در جای دیگر کلاس برگزار کنیم.

دیروز ما با معاونت تبلیغ هم جلسه داشتیم بنا شد ۱۰۰ نفر را هم آقایان به ما معرفی کنند تا در کلاس‌های ما حضور داشته باشند، البته ما گفتیم ۳۰۰ نفر به ما معرفی کنید ما از این ۳۰۰ نفر مصاحبه می‌گیریم و ۱۰۰ نفرشان را انتخاب می‌کنیم تا در دوره ما شرکت کنند.

بنا شد که در ایام «فاطمیه» این‌ها اعزام به شهرها و استان‌های مختلف و یا در دانشگاه‌ها و... بشوند، آقایان می‌گفتند ما یک مقداری مشکل بودجه داریم آقای «اعرافی» می‌گفت ما بودجه مان تمام شده است گفتم مسأله‌ی نیست گفتم آقایان و طلبه‌هایی که می‌آیند ما مصاحبه از این‌ها می‌گیریم و این سه روز کلاسی هم که می‌گذاریم یک امتحانی می‌گیریم گفتیم این ۴-۵ روزی که در ایام «فاطمیه» می‌خواهند بروند هزینه آقایان را ما تقبل می‌کنیم.

**پرسش:**

استاد! بحث شبهاتی است که جدید وارد شده است؟



پاسخ:

جدیدترین شبهاتی که الان در فضای مجازی، در اینترنت و غیره مطرح است عمدتاً هم ما روش پاسخگوی به شبهات را می‌گوییم، مخصوصاً آنهایی که از شهرستان‌ها می‌آیند در دانشگاه‌ها و غیره هستند خیلی زیاد در جریان نیستند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.